

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تبارك و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

خودسازی مقدم بر دگرسازی

شناسنامه مطلب	
t-169	کد مطلب
تزکیه‌ای / تقوای عمومی / اصلاح اندیشه / آشنایی با مسیر / ضرورت تزکیه نفس	رده
خودسازی، دگرسازی، تزکیه نفس، اصلاح اندیشه، امامین انقلاب	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمُو

nomov.ir

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يُبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ^[۱]

امام علی علیه السلام: هر کس قصد پیشوایی و هدایت مردم را بر عهده می‌گیرد بر اوست که قبل از تعلیم دیگران ابتدا به تعلیم نفس خود آغاز کند و بایستی قبل از زبان خود درون خود را ادب کند و کسی که خود را تعلیم می‌دهد و تادیب میکند بیشتر مستحق اجلال و تکریم است از آن که دیگران را تعلیم می‌دهد تادیب میکند

ما اول از خودمان هم باید شروع کنیم. واقعاً اگر در هر کدام از ما، خدای نکرده از این رهگذر، نقص و کمبود و خللی باشد، روی مردم تأثیر بد خواهد گذاشت. همه در نوشتن، گفتن، عمل کردن، بالا کشیدن شخصیتها، نزدیک کردن افراد و یا دور کردن آنها، باید این نکته‌ی اخیر را در نظر داشته باشیم.^[۲]

اول باید دل‌مان را پاک کنیم: «من نصب نفسه للناس اماما فعليه ان يبدا بتعليم نفسه قبل تعليم غيره». کسی که پیشاهنگ، پیشوا و جلودار جمعیتی می‌شود، اول باید خود را آماده کند. اگر بنده و جنابعالی می‌خواهیم صد نفر را به دنبال خود بکشانیم - چه برای کوهنوردی، چه برای بیابانگردی، چه برای یک رزمایش - اول باید قوت راه رفتن را در خودمان ایجاد کنیم. والا اگر ده قدم رفتیم و بعد گفتیم آخ قلبمان گرفت، پایمان خسته شد، این صد نفر هم هرچند چهارنفرشان همت کنند و بروند، اما دیگر نمی‌شود اینها را به مقصد رساند. راه معنویت هم همین‌طور است. خودمان را باید درست کنیم.^[۳] اگر دل ما سالم نباشد، نمی‌توانیم دنیای سالمی درست کنیم. اگر در درون خودمان معیوب باشیم، نمی‌توانیم عیب جامعه و جهان را برطرف کنیم.^[۴]

ما تا اصلاح نکنیم خودمان را نمیتوانیم کشور خودمان را اصلاح کنیم^[۵] سازندگی‌های روحی مقدم بر همه سازندگی‌هاست جهاد سازندگی از خود افراد باید شروع شود^[۶] آن چیزی که بر همه ما لازم است ابتدا کردن به نفس خودمان است و قانع نشدن به اینکه همان ظاهر درست بشود و از قلبمان شروع کنیم مغزمان شروع کنیم و هر روز دنبال این باشیم که روز دوممان بهتر از روز اولمان باشد و امیدوارم که این مجاهده نفسانی برای همه ما حاصل بشود و دنبال آن مجاهده برای ساختن یک کشور.^[۷]

در اسلام نقطه اصلی و محوری برای اصلاح عالم اصلاح نفس انسانی است همه چیز از این جا شروع میشود قرآن به آن نسلی که میخواست با دست قدرتمند خود تاریخ را ورق بزند فرمود «قوا انفسکم»، «علیکم انفسکم» خودتان را مراقبت کنید به خودتان پردازید و نفس خودتان را اصلاح و تزکیه کنید «قد افلح من زکیها» اگر جامعه اسلامی صدر اول اسلام از تزکیه انسان ها شروع نشده بود و در آن به اندازه لازم آدم های مصفا و خالص و بی غش وجود نداشتند اسلام پا نمیگرفت گسترش پیدا نمیکرد بر مذاهب مشرکانه عالم پیروز نمیشد و تاریخ در خط اسلام به حرکت نمی افتاد.

... ما به عنوان کسانی که بار سنگین هدایت بشر و نجات انسان را بر دوش گرفته ایم باید به خودمان پردازیم باید نفس های خودمان را اصلاح کنیم باید قدرت معنوی انسانی را که خدا در ما به حد اعلی به ودیعه گذاشته است از گل و لای شهوات و اهوا و هوس ها و خود خواهی ها و خود پرستی ها نجات بدهیم و آن را قوی کنیم ...

ما اول باید خودمان را اصلاح کنیم هر کسی که به اسلام و انقلاب دلبسته تر است باید برای اصلاح نفس خود عازمتر و جدیتر باشد^[۸]

انسان اگر بخواهد در وضعیت جامعه خود کشور خود و زندگی خود تحول ایجاد کند باید این تحول را در خود آغاز کند.^[۹] اسلام به ما یاد میدهد که برای پیشرفت در دستیابی به هدفهای دنیا و آخرت باید تحولی در درون انسان به وجود آید تا آن تحول در درون یک جامعه و در جوامع اسلامی به طور خاص ایجاد نشود... ، مشکلات جوامع اسلامی حل نخواهد شد^[۱۰]

ما باید سعی کنیم که روح بندگی را در خودمان زنده نماییم. بندگی، یعنی تسلیم در مقابل خدا یعنی شکستن آن بتی که در درون ماست... اگر ما بتوانیم این من درونی این هوای نفس این فرعون باطنی این شیطانی را که در درون ماست مهار کنیم یا اقل قدری مهار کنیم همه امور اصلاح خواهد شد^[۱۱]

اگر حکومتی خیر و صلاح مردم را می طلبد، باید علی بن ابی طالب (علیه السلام) را اسوه و الگوی خود قرار دهد. اگر جامعه ای در انتظار سعادت است، راه عملی آن است که حکومتها، زندگی و حکومت امیر المؤمنین را اسوه قرار دهند و به آن سمت حرکت کنند.

در امیر المؤمنین عدالت شخصی در حدّ اعلی بود؛ همان چیزی که از آن به تقوا تعبیر می‌کنیم. همین تقواست که در عمل سیاسی او، در عمل نظامی او، در تقسیم بیت‌المال توسط او، در استفاده‌ی او از بهره‌های زندگی، در هزینه کردن بیت‌المال مسلمین، در قضاوت او و در همه‌ی شئون او خودش را نشان می‌دهد. در واقع در هر انسانی، عدالت شخصی و نفسانی او، پشتوانه‌ی عدالت جمعی و منطقه‌ی تأثیر عدالت در زندگی اجتماعی است. نمی‌شود کسی در درون خود و در عمل شخصی خود تقوا نداشته باشد، دچار هوای نفس و اسیر شیطان باشد، اما ادّعا کند که می‌تواند در جامعه عدالت را اجرا کند. چنین چیزی ممکن نیست. هرکس که بخواهد در محیط زندگی مردم منشأ عدالت شود، اوّل باید در درون خود تقوای الهی را رعایت کند. تقوا یعنی مراقبت برای خطا نکردن. البته معنای این حرف آن نیست که انسان خطا نخواهد کرد؛ خیر. بالاخره هر انسان غیر معصومی دچار خطا می‌شود؛ اما این مراقبت، يك صراط مستقیم و يك راه نجات است و از غرق شدن انسان جلوگیری می‌کند و به انسان قدرت می‌بخشد. انسانی که مراقب خود نیست و در عمل و کلام و زندگی شخصی خود دچار بی‌عدالتی و بی‌تقوایی است، نمی‌تواند در محیط جامعه منشأ عدالت اجتماعی باشد. اینجاست که امیر المؤمنین علیه الصّلاة و السّلام درس همیشگی خودش را به همه‌ی کسانی که در امور سیاسی جامعه‌ی خود نقشی دارند، بیان کرده است: «من نصب نفسه للنّاس اماما فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره»؛ هرکس که خود را در معرض ریاست، امامت و پیشوایی جامعه می‌گذارد در هر محدوده‌ای اوّل باید شروع به تأدیب و تربیت خود کند؛ بعد شروع به تربیت مردم کند. یعنی اوّل خودش را اصلاح کند، بعد به سراغ دیگران برود. می‌فرماید: «و لیکن تأدیبه بسیرته قبل تأدیبه بلسانه»؛ اگر می‌خواهد دیگران را تربیت کند، باید با سیره و روش و رفتار خود تربیت کند؛ نه فقط با زبان خود. به زبان بسیار چیزها می‌شود گفت؛ اما آن چیزی که می‌تواند انسان‌ها را به راه خدا هدایت کند، سیره و عمل کسی است که در محدوده‌ای چه در آفاق يك جامعه و چه در محدوده‌های کوچک‌تر او را به عنوان پیشوا و معلّم و کسی که مردم بناست از او پیروی کنند، منصوب کنند. بعد می‌فرماید: «و معلّم نفسه و مؤدّبها احقّ بالاجلال من معلّم النّاس و مؤدّبهم»؛ کسی که خود را تعلیم می‌دهد و تأدیب می‌کند، بیشتر مستحقّ اجلال و تکریم است، از آن کسی که می‌خواهد دیگران را تأدیب کند، در حالی که خودش را تأدیب نکرده است. این، منطق و درس امیر المؤمنین است. حکومت، فقط فرمانروایی نیست. حکومت، نفوذ در دلها و مقبولیت در ذهنهاست.

کسی که در چنین موقعیتی قرار می‌گیرد یا خود را قرار می‌دهد، اول باید در درون خود به صورت دائمی مشغول تأدیب باشد؛ خود را هدایت کند، به خود تذکر دهد و خود را موعظه نماید.

امیر المؤمنین در باره کسی که سزاوار امارت بر مردم یا به دست گرفتن بخشی از کارهای مردم است؛ که البته این از موضع ریاست يك کشور شروع می‌شود و تا مدیریت‌های پایین‌تر و کوچک‌تر ادامه پیدا می‌کند امیر المؤمنین این توصیه‌ها را برای فرمانداران و استانداران خود می‌فرمودند؛ اما برای قاضی يك شهر و مسئول يك بخش و مدیر گوشه‌ای از گوشه‌های این دستگاه عریض و طویل هم صادق بود می‌فرمایند: «فكان اول عدله نفى الهوى عن نفسه»؛ اولین قدم او در راه عدالت این است که هوی و هوس را از خودش دور کند. «یصف الحق و یعمل به»؛ حق را بر زبان جاری و توصیف کند و نیز به آن عمل نماید. به همین خاطر است که در اسلام، قدرت با اخلاق پیوسته است و قدرت عاری از اخلاق، يك قدرت ظالمانه و غاصبانه است. [۱۲]

ما باید امروز به سمت تغییر خودمان به سوی الگوهایی که اسلام معین کرده است، پیش برویم. تغییر خودمان به عنوان اشخاص و هر کس هم از خود شروع کند. درست است که حکومت در مقابل مردم، نسبت به مسأله تعلیم و تربیت، وظایف سنگینی بر دوش دارد. اما این وظایف، منافاتی ندارد که ما - مسئولین و اعضای که هر کدام مسئولیتی را بر عهده گرفته‌ایم - روی خودمان به عنوان شخص هم کار کنیم.

باید خودمان را اصلاح کنیم، اخلاق خودمان را درست کنیم، خودمان را از لحاظ باطن، به خدا نزدیک کنیم، به عنوان يك فرد، مجاهدت شخصی کنیم، آیات خدا را به دل خودمان بخوانیم و دل را به خدا نزدیک کنیم. این، وظیفه ماست. این، کمک خواهد کرد تا ما بتوانیم وظیفه ای را که در جنب مردم و در جنب جامعه داریم، به بهترین وجهی انجام دهیم.

بنده احساس می‌کنم که ما احتیاج داریم که در زمینه اخلاق و تزکیه و تهذیب، بر روی نفوس خودمان و نفوس دیگران کار کنیم. نوسازی معنوی نظام اسلامی و ملت مسلمان ایران، این مجاهدت بزرگ را لازم دارد. [۱۳]

وقتی از خودتان شروع کردید هر کاری بکنید این کاری است الهی. وقتی خودتان را ساختید تمام کارهایتان کارهای الهی میشود. برای اینکه از ظلمتها بیرون رفته اید در نور وارد شده اید همه اعمالتان نورانی میشود حرف که میزنید نور است با گوش هم که میشنوید نور است با قلبتان هم ادراک میکنید و با نور ادراک میکنید اصلا شما شده اید نور^[۱۴]

اگر نفوسی تزکیه نشده و تربیت نشده وارد بشوند در هر صحنه توحید در صحنه معارف الهی در صحنه فلسفه در صحنه فقاقت در صحنه سیاست در هر صحنه ای که وارد بشود اشخاصی که تزکیه نشدند و تصفیه نشدند و از این شیطان باطن رها نشدند خطر اینها بر بشر خطرهای بزرگ است و باید کسانی که میخواهند در این عالم تربیت کنند دیگران را قبلا خودشان تزکیه شده باشند تربیت شده باشند و کسانی که در بشر میخواهند زمام داری کنند اگر بخواهند که طغیان نکنند و کارهای شیطانی نکنند باید تزکیه کنند خودشان را.^[۱۵]

ما مسئولان باید خود را بسازیم مرتب با خود کلنجار برویم یکدیگر را به حق وصیت کنیم یکدیگر را ارشاد کنیم مثل آینه ای در مقابل یکدیگر عیوبمان را صادقانه به هم نشان دهیم بنا را بر رفع عیب بگذاریم و خود را روز به روز بهتر کنیم هر کس هم که جدیدا مسئولیت را بر عهده میگیرد با این نیت و با این هدف مسئولیت را قبول کند که میخواهد برای خدمت به مردم یک انسان صالح شود آن وقت میشود تشکیل دولت اسلامی... اولین و مهمترین وظیفه را اصلاح کار خود بدانیم چون اصلاح شخص ما صرفا اصلاح شخص نیست ما منشاء اثریم و یک کلمه حرف و یک امضاء و یک تصمیم گیری من و شما در جامعه تاثیر میگذارد ما اگر خود را اصلاح کردیم جامعه را اصلاح کرده ایم دوره پیش از انقلاب گذشت که بعضی کسان فقط به خود میپرداختند ما آن وقت به آن ها ایراد می گرفتیم که به فکر جامعه و مردم هم باشید... می گفتیم به فکر غریقها هم باشید فقط به فکر نجات خودتان نباشید الان آن زمان نیست حالا من و شما اگر به فکر خودمان باشیم به طور طبیعی غریقها را نجات داده ایم اگر ما خود را اصلاح کنیم جامعه اصلاح شده است نمیشود توقع داشت که من و شما خود را اصلاح نکنیم اما دنیا را اصلاح کرده باشیم یا کشور اسلامی شود^[۱۶]

- [۱]. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص: ۱۵۱
- [۲]. در دیدار با اعضای مجلس خبرگان؛ ۱۳۶۹/۱۲/۱
- [۳]. در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی؛ ۱۳۸۳/۱۰/۲۳
- [۴]. در اجتماع مردم مشهد مقدس و زائران حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا (ع) در روز عید سعید فطر؛ ۱۳۷۱ / ۰۱ / ۱۵
- [۵]. صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۱۶
- [۶]. همان، ج ۱۱ ص: ۳۷۹
- [۷]. صحیفه نور، ج ۱۵، ص: ۲۸۲
- [۸]. سخنرانی در دیدار با مسئولان بنیاد شهید جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاهها و اقشار مختلف مردم؛ ۱۳۶۹/۰۵/۲۴
- [۹]. پیام به مناسبت حلول سال نو؛ ۱۳۷۷/۰۱/۰۱
- [۱۰]. بیانات در دیدار کارگزاران نظام؛ ۱۳۷۲/۰۱/۴
- [۱۱]. سخنرانی در روز سی ام ماه مبارک رمضان؛ ۱۳۶۹/۲۰/۶۰
- [۱۲]. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران؛ ۱۳۷۹ / ۱۲ / ۲۶
- [۱۳]. در دیدار مسئولین کشور به مناسبت مبعث پیامبر گرامی اسلام(ص)؛ ۱۳۷۶/۹/۷
- [۱۴]. صحیفه نور ج ۱۱ ص: ۳۸۳
- [۱۵]. صحیفه نور ج ۱۴ ص: ۲۵۴
- [۱۶]. بیانات در دیدار کارگزاران نظام؛ ۱۳۸۰/۰۹/۲۱